

شخصیت عرفانی

و
اخلاقی

پیامبر

صلی الله علیه وآله

(۶)

انسان کامل

محمد رضا امین زاده

محمد (ص): و

انسان معصوم

ابتداء باید ببینیم کمال چیست؟ و کامل کدام است؟
از نظر قرآن، آفرینش هر موجودی به نحو احسن انجام پذیرفته است:

أَلَدَىٰ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ. (سجده/۷)

آن که هر چه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید.

زیرا که خالق هر موجودی خداوند متعال است:

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ. (رعد/۱۶)

خدا آفریننده هر چیزی است.

خدایی که فیاض مطلق است و از اعطاء لوازم وجودی هیچ موجودی بخل نمی‌ورزد، به عبارت دیگر می‌توان گفت هر موجودی کلمه‌ای از کلمات الهی است که با قلم فیض او نگاشته شده است و هر کلمه‌ای، معنای خاصی را در بردارد و تمامیت معنا در هر کلمه، بستگی دارد به انسجام حروف و بودن حروف لازم در آن، در غیر این صورت، کلمه مهمل خواهد بود و از حکیم حق، صدور کلمه مهمل، قبیح است، بنابراین هر موجودی از وجود خاص و لوازم خاص وجودی خودش برخوردار

است. مرحوم علامه طباطبائی (اعلی الله مقامه الشریف) در تفسیر پیراج المیزان در مورد «أحسن» چنین نگاشته:

وَحَقِيقَتُهُ مُلَانَمَةُ أَجْزَاءِ الشَّيْءِ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ وَالْمَجْمُوعُ لِلْغَرَضِ وَالْعَايَةِ الْخَارِجَةِ مِنْهُ... وَاللَّهَ بُرْفَى خِلْقَةِ الْأَشْيَاءِ وَكُلٌّ مِنْهَا فِي نَفْسِهِ مُتَلَاثِمٌ الْأَجْزَاءُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ وَالْمَجْمُوعُ مِنْ وُجُودِهِ مُجَهَّزٌ بِمَا يَلَائِمُ كَمَالَهُ وَسَعَادَتُهُ تَجْهِيْزًا لَا أَنْتُمْ وَلَا أَكْمَلُ مِنْهُ يُعْطَى أَنْ كَلَامًا مِنْهَا حَسَنٌ فِي نَفْسِهِ حُسْنًا لَا أَنْتُمْ وَأَكْمَلُ مِنْهُ بِالنَّظَرِ إِلَى نَفْسِهِ^۱...

حقیقت حسن این است که بعضی از اجزاء شیء با بعضی دیگر ملایم و موافق و مناسب باشد و مجموع اجزاء (به هم پیوسته) جهت تحصیل غرض و غایتی است که خارج از خود شیء است... تدبر و اندیشیدن در آفرینش پدیده‌ها و هر پدیده‌ای به طور خاص، ما را به این حقیقت آشنا می‌سازد که هر موجودی علاوه بر تناسب اجزاء، از کمال و سعادت می‌مؤلف با وجودش برخوردار است و این مطلب به ما می‌فهماند که هر موجودی با توجه و نظر به خود آن موجود، نیکوآفریده شده است.

هر موجودی فی نفسه و بدون مقایسه با موجود دیگر آحسن آفریده شده است، البته از آنجا که وجود دارای مراتب است و مراتب از حیث کمال با هم اختلاف دارند لذا در مقایسه با هم، موجودی احسن خواهد بود که مرتبه وجودی اش بالاتر باشد چنانکه قرآن، انسان را در مقام مقایسه با موجودات دیگر لحاظ کرده و می‌فرماید:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.^۲ (سوره نبی/۴)

همانا انسان را در نیکوترین قوام آفریده ایم.

در جمله‌ای کوتاه می‌توان گفت که احسن تمامیت وجودی یک موجود است، موجودی که دارای تمامیت است به جهت امکان استعدادی و حرکتی که دارد باید کامل شود. امکان استعدادی این است که موجود در ذات خودش دارای استعدادی است که با فراهم آوردن شرایط خارجی، موجود مستعد را آماده می‌سازد که به مرتبه

.....

۱- المیزان ج ۱۶ ص ۲۴۹، ط اعلمی - بیروت.

۲- صدرالمتألهین می‌فرماید... وَإِنْ تَفَاوَتْ وَأَنْقَسَمَتْ إِلَى حَسَنٍ وَأَحْسَنَ إِذَا قَسَرَ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ كَمَا قَالَ سُجَّانَةُ: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تفسیر سوره سجده ص ۵۳)

... هر چند تفاوت و انقسام به حسن و احسن (نیکو و نیکوتر) زمانی است که برخی اشیاء با بعضی دیگر مقایسه شوند چنانکه خدای سبحان فرمود: به تحقیق ما انسان را در نیکوترین قوام آفریدیم.

بالا تر (از وجود) نائل شود. تمامیت یک موجود، حقیقت آن است و موجود آنگاه کامل می شود که به نهایت کمال خویش نائل شود. و از آنجا که کمال، یک حقیقت وجودی است نه یک امر اعتباری، نهایت درجه کمال موجود، آخرین مرتبه وجودی او است که آن موجود می تواند به آن برسد. نطفه، با استعداد ذاتی و شرائط خارجی، مستعد می شود تا به تدریج به آخرین درجه کمال یا وجودش نائل شود و به مرحله **أَنْشَأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ** برسد. انسان نیز به عنوان یک موجود، محکوم همین قوانین است آنچه که تمامیت انسان را تشکیل می دهد عبارت از روحی الهی است که در او دمیده شده است و مجهز به عقل و اراده و اختیار است و چنانچه این بُعد نباشد، انسان کلمه ای ناتمام و ناقص بلکه مهمل خواهد بود و مرتبه وجودی او اقتضاء می کند که دارای این روح باشد و آفرینش آخسَن انسان در این است که خداوند در قرآن مجید فرموده است:

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ. (سجده/۹)

سپس آن نطفه را نیکو بیاراست و از روح خود در آن دمید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد.

کامل شدن انسان به این است که حقیقت الهی و انسانی او به آخرین درجه از کمال و به عبارت دیگر به آخرین مرتبه وجودی خود که استعداد ذاتی او اقتضاء می کند برسد و آخرین مرتبه وجودی او همان اولین مرتبه ای است که از آن تنزل یافته است **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**؛^۱ و چون مورد بحث ما حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) است (نه همه انسانها) و ثابت شد که آن حضرت همان نور و عقل اول می باشد که تا مرتبه **أَنْبَشَرْنَا مِنْكُمْ** تنزل یافته است و در این مرتبه مکلف است و باید با ادای رسالت و انجام تکلیف خود در سیر صعودی به عقل اول برگردد:

يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ.

ای پیامبر برسان آنچه را که از پروردگارت به تو نازل شده است و اگر آن را انجام ندهی (درحقیقت) رسالت خویش را به انجام نرسانده ای (وظیفه خود را ادا نکرده ای).

و معنای تنزل، قطع تعلق از مرتبه ای و تعلق به مرتبه ای دیگر نیست، بلکه تعلق

۳- مؤمنون/۱۴.

۴- بقره/۱۵۶.

۵- کهف/۱۱۰.

۶- مائده/۶۷.

به جمیع مراتب حاصل، است^۷ و باید در سیر صعودی، خود را به اولین مرتبه ای برساند که تمام تعلقات وجودی آن حضرت در آنجا است و آن مرتبه آقرب الی الله بودن است، چنانکه امام صادق (علیه السلام) درباره آن حضرت فرمود:

أَوَّلُ مَنْ سَبَقَ مِنَ الرُّسُلِ إِلَيَّ «بَلِي» رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَ أَقْرَبَ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.^۸

اول کسی که از رسولان (الهی) در پاسخ (به آئست برتکم) سبقت جسته و بلی گفت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) بود زیرا که او نزدیکترین خلق به خدای تبارک و تعالی است.

اینک باید به بررسی این مطلب پردازیم که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) چگونه انسان کامل است با این که از مرتبه عقل اول تنزل کرده است؟

چنانکه قبلاً بیان داشتیم، اولین مخلوق که آقرب موجودات به خداوند متعال است دارای جمیع کمالات الهی در حد امکان است و نور آن حضرت که تنزل یافت و به عالم طبیعت رسید در تمام دوران زندگی، مطیع و فرمانبر خداوند متعال بود و او که آئینه تمام نمای حق بود لحظه ای از حق غافل نشد، اگر در عالم تکوین به اقبال و ادبار پروردگار عالم پاسخ مثبت داد و با تمام وجود به فرمان حق بود، از نظر تشریح نیز پاسخ مثبت داد و انسان کامل انسانی است که از حیث تشریح در تمام ابعاد وجود تابع باشد یعنی همانگونه که در تکوین، ربط محض است از جهت تشریح نیز صرف الربط شود و از قوانین تشریحی تخلف نکند. روح پاک نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) در عالم جبروت و ملکوت که مجرد محض است به تسبیح و تقدیس و حمد خدای متعال اشتغال دارد آنگاه که در جهان ماده، تعلق به ماده می‌گیرد برای رها شدن از ماده و طی کردن سیر صعودی و رسیدن به همان عالم مجرد باید به حمد و تسبیح و تقدیس الهی اشتغال داشته باشد، به عبارت دیگر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) همان گونه که در جهانی مجرد، اسماء حسناى خداوند متعال است باید در جهان ماده نیز مظهر اسماء حسناى الهی باشد. مظهر رحمانیت و رحیمیت و رزاقیت و کریمیت و عطف و

۷-... صعود و نزول در عالم معنا و ملکوت با تجلی همراه است نه تجافی... یعنی در عین این که در بالا هست در مرحله پایین ترش برای ما ظهور می‌کند و ما با مرتبه پایینش همراه خواهیم بود (تفسیر موضوعی، آیت الله جوادی ج ۱ ص ۱۸۳).

۸- بحار ج ۱۵ ص ۱۵.

جوادیت و فیاضیت و... خداوند متعال باشد. نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) همچنانکه در عالی ترین مرتبه وجود (که مرتبه نورانیت محض است) از جمیع کمالات شایسته برخوردار است در نازلترین مرتبه وجود (که تعلق به ماده و بدن دارد) نیز در تمام ابعاد وجودی از کمالات شایسته خاص هر بُعدی برخوردار می باشد. اگر انسان را مجموعه ای از دو بعد نظری و عملی بدانیم و انسان کامل، انسان رشد یافته در هر دو بُعد باشد، پیامبر گرامی اسلام (ص) در هر دو بُعد فعلیت تام داشت، انسان کامل، یعنی قرآن ناطق، انسانی که اندیشه اش، نطقش، حرکتش و عملش و... بیانگر حقیقت قرآن باشد و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) قرآن ناطق است.

اگر درباره قرآن می گوئیم که نور است، هدایت است، برهان است. مصدق، تبیان کل شیء، مجید، حکیم، عظیم، قول، شفاء، فرقان، عزیز، موعظه، ذکر، مبین، کتاب و... است، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) نیز دارای این صفات است. آیه ای که می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا.^۹

ای مردم از جانب پروردگارتان (به منظور هدایت تان) برهانی به سوی شما آمده و نوری روشنی بخش برای شما فر فرستادیم.

بیانگر مطلب فوق است، برهان برقرآن و برسول خدا، تطبیق شده است^{۱۰} در تفسیر عیاشی از عبدالله بن سلیمان نقل شده است که امام صادق (علیه السلام) در جواب سؤالش راجع به این آیه فرمودند:

برهان، محمد (صلی الله علیه وآله) است و نور، علی بن ابی طالب (علیه السلام) می باشد.^{۱۱}

کسی که قرآن را بشناسد پیامبر (ص) را شناخته است و کسی که پیامبر (ص) را بشناسد قرآن را شناخته است. آن کسی که از قرآن جز الفاظ و ظواهر آن را نمی شناسد، از مقام رسالت و نبوت هم جز بدنی خاص با ظواهری از اعمال و گفتار نمی شناسد ولی آن کس که همچون غواصی ماهر در بحر قرآن فرورفت و لطائف و حقائق آن را درک کرد، لطائف و حقائق مقام خلیفه اللّهی را نیز می فهمد و درک

۹- نساء/۱۷۴.

۱۰- تفسیر صافی ج ۱ ص ۴۱۵. المیزان ج ۵ ص ۱۶.

۱۱- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۸۵.

می‌کند.

آن حضرت فرمودند: ... أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ، وقتی از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد که: جوامع الکلّم چیست؟ فرمودند: الْقُرْآن. ۱۲
و اگر خداوند چیزی را اعطاء می‌کند کار خدا جزاف نیست بلکه قابلیت را می‌بیند و اعطاء می‌کند. آن حضرت چون خود جوامع الکلّم است، لذا قرآن هم که جوامع الکلّم است به آن حضرت اعطاء می‌گردد. قرآن مجید از صفات الهی و فضائل انسانی آن حضرت سخن می‌گوید:

لَقَدْ جَاءَ كُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. ۱۳

همانا رسولی از (جنس و نوع) خودتان برای (هدایت) شما آمد فقر و پریشانی شما براو سخت است. او بر هدایت و ایمان و صلاح شما حریص و به مؤمنان رؤوف و مهربان است.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُنْتَهراً وَنَذِيراً وَدَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيراً. ۱۴

ای رسول (گرامی) ما ترا به رسالت فرستادیم تا بر نیک و بد خلق گواه باشی و خوبان را به رحمت الهی و بدان را از عذاب خدا بترسانی و به اذن حق (مردم را) به خدا دعوت کنی و چراغ فروزان (برای جهانیان) باشی.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. (انبیاء/۱۰۷)

تورا نفرستادیم مگر آن که رحمتی برای جهانیان باشی.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّخْمُوداً. ۱۵

بعضی از شب را بیدار باش و تهجد کن و نماز شب که برای تو است بجای آور، باشد که خداوند تورا به مقامی پسندیده (مقام شفاعت) برگزیند.

و آیات بسیار دیگری که در این مقال مجال ذکر همه آنها نیست. آیه ای که بیانگر جامع کمالات او است آیه ۸۱ از سوره اسراء است:

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً.

حق آمد و باطل رخت بریست همانا باطل رفتنی است.

۱۲- بحار ج ۱۶ ص ۳۲۳ روایت ۱۴-۱۶.

۱۳- توبه/۱۲۸.

۱۴- احزاب/۴۵-۴۶.

۱۵- اسراء/۷۹.

عصمت رسول الله (صلی الله علیه وآله)

آن حضرت معصوم است به این معنا که راههای گناه و خطا و اشتباه را به روی خود بسته است زیرا که آئینه تمام‌نمای مظهر تام اسماء حسناى حق است. سبب گناه و خطاء و اشتباه، غفلت ناشی از وجود حجابهای مادی و شهوانی است و منشأ پیدایش این حجابها حب دنیا است و او حب دنیا ندارد.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) دَخَلَ عَلَيْهِ عُمَرُ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ آتَرَ فِي جَنْبَيْهِ، فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَوِ اتَّخَذْتُ فِرَاشًا؟ فَقَالَ مَا مَنَلِي مَا مَنَلِي وَمَثَلِ أَلْدُنْيَا إِلَّا كَرَاكِبٍ سَارَفِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَاسْتَقَلَّ نَحْتِ شَجَرَةٍ سَاعَةً مِنْ نَهَارِنِمْ رَاحَ وَتَرَكَهَا. ۱۶

ابن عباس روایت کرده که عمر حضور رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسید و متوجه شد که حضرت روی حصیری استراحت کرده‌اند و حصیر بر دو پهلوئی حضرتش اثر گذاشته است. عرض کرد ای پیامبر خدا چرا فرشی (نرم) برای خود بر نمی‌گزینی؟ حضرت فرمودند: مرا با دنیا چکار مثل من و مثل دنیا مانند سواره‌ای است که در روز تابستان راه می‌پیماید سپس ساعتی از روز را زیر سایه درختی می‌نشیند و پس از اندک استراحتی آن را ترک می‌گوید.

کسی که حب دنیا داشته باشد و حجابهای مادیت او را از حق غافل گرداند، حجت خدا نمی‌شود و از داشتن ولایت تکوینی محروم می‌باشد. وقتی ولایت تکوینی نداشت اعجاز و کار خارق العاده از او صادر نمی‌شود، عصمت و اعجاز لازم و ملزوم یکدیگرند و از طریق اعجاز، ولایت تکوینی ثابت می‌شود و با داشتن ولایت تکوینی عصمت ثابت می‌گردد زیرا:

أولاً: رابطه وجودی هر موجودی با خداوند براساس قابلیت و مرتبه موجودی او است.

ثانیاً: کمال هر موجودی بستگی به این ارتباط خاص دارد.

ثالثاً: از هر کمال خاصی اثر خاصی صادر می‌شود که از موجود فاقد آن صادر نمی‌شود.

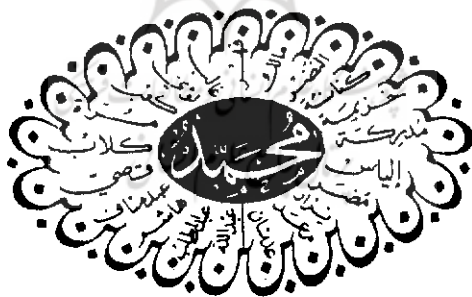
نتیجه این که: اعجاز یک اثر است که از یک کمال خاص وجودی صادر می‌شود و وجود این کمال خاص قابلیت ارتباط با خدا را به دنبال دارد و نحوه عنایت

خدای متعال را به موجود می‌رساند. و این کمال خاص جز عصمت نمی‌تواند باشد، زیرا که هر انسان خالی از عصمت، مشوب به گناه یا خطا و اشتباه است و گناه از حیث خاصی سبب قطع رابطه با خدا می‌شود و شخص گناهکار، ظالم به نفس است و قرآن می‌فرماید: **لَا تَبْتَئُوا عَهْدِي الظَّالِمِينَ**^{۱۷} و عهد الهی که مقام رسالت و ولایت مطلقه باشد به ظالم به طور مطلق نمی‌رسد.

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم دارای اعجاز فعلی (چون شق القمر، معراج، قضیه یوم الانذار) بودند و هم دارای اعجاز قولی (قرآن مجید) که اعظم معجزات آن حضرت است.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.^{۱۸}

اگر شما از آنچه بر بنده خود فرودستادیم در شک و تردید هستید پس سوره‌ای مانند آن بیاورید و برای این کاریارانتان را نیز به کمک بطلبید اگر راست می‌گوئید. بعد از چهارده قرن و اندی هنوز قرآن تحدی می‌کند و هل من مبارز می‌طلبد.



۱۷- بقره/۱۲۴.

۱۸- بقره/۲۳.